دستگیری ۹ سرشاخه توزیع مواد مخدر و جمع آوری ۲۲۴ معتاد پرخطر در مشهد

فرمانده انتظامی استان از اجرای طرح پاک سازی مناطق آلوده با دستگیری ۹ سرشاخه توزیع مواد افیونی و جمع آوری ۲۲۴ معتاد پرخطر خبر داد. سردار «محمد کاظم تقوی» گفت: در اجرای مرحله دیگری از طرح های ارتقای امنیت اجتماعی و تشدید برخورد جدی با سوداگران مرگ، تیم های پلیس مبارزه با مواد مخدر خراسان رضوی با همکاری پلیس های تخصصی و پلیس مشهد، طرح پاک سازی نقاط آلوده را در شهر مشهد به اجرا گذاشتند که حدود دو کیلوگرم هروئین و مخدرهای صنعتی کشف شد.

از میان خبرها

شبکه جعل کشوری اسکناس در جنوب کرمان متلاشی شد

توکلی- شبکه جعل اسکناس که به صورت گسترده در چندین استان کشور فعالیت می کرد در جنوب کرمان متلاشی شد. رئیس حوزه قضایی شهرستان فاریاب در تشریح جزئیات این خبر گفت: پس از دریافت گزارشی از سوی پلیس اطلاعات این شهرستان درباره توزیع اسکناس های جعلی در بازار، بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار سیستم و مرجع قضایی قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، قاضی علی رضا سالاری افزود: در همان ساعات نخست دو تن از متهمان در شهرستان فاریاب دستگیر شدند و پس از انجام بازجویی های اولیه، عضو دیگر این باند در یکی از شهرستان های استان فارس بازداشت شد. وی اظهار کرد: با انجام تحقیقات اولیه مشخص شد هسته اصلی این باند بزرگ جعل در یکی از استان های مرزی واقع در غرب کشور در حال فعالیت است که بلافاصله گروهی از ماموران پلیس اطلاعات به استان کرمانشاه اعزام شدند. این مسئول قضایی با بیان این که با همکاری فرماندهی انتظامی کرمانشاه، خانه تیمی اعضای این باند مورد شناسایی قرار گرفت، خاطرنشان کرد: در این عملیات سه نفر دیگر از اعضای این باند جعل دستگیر شدند و مقادیر زیادی اسکناس جعلی کشف و ضبط شد. رئیس دادگاه عمومی شهرستان فاریاب ادامه داد: یک نفر از اعضای این باند در بازجویی های اولیه اقرار به جعل انواع مختلف کارت های هویتی و شناسایی از جمله کارت ملی و شناسنامه کرد. وی با اشاره به این که اعضای این باند به صورت حرفه ای و شبکه ای در کشور عمل می کرده و هیچ ردپایی از خود به جا نمی گذاشته اند، تصریح کرد: به طور مثال عامل توزیع اسکناس در یک استان، هیچ گاه عامل مرتبط با خود را به صورت حضوری مشاهده نکرده است. این مقام قضایی، با بیان این که تمامی حساب های اعضای باند مسدود شده است، یادآور شد: در مجموع تاکنون، پنج متهم به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق انتشار گسترده اسکناس جعلی تحت قرار مناسب روانه زندان شده اند.

یک کشته و ۳ مصدوم بر اثر صاعقه در شرق کرمان

کرمانی- صاعقه در ریگان جان یک نفر را گرفت و سه نفر را راهی مراکز درمانی کرد. فرماندار شهرستان ریگان گفت: بر اثر رعدوبرق شدید عصر سه‌شنبه در منطقه کوهستانی پدوک سیف الدینی از توابع این شهرستان یک زن در بیرون از سیاه چادر عشایری جان باخت و دو جوان ۲۵، ۳۰ و نوجوان ۱۶ ساله هم مصدوم شدند. باقری افزود: با حضور به موقع نیروهای هلال احمر به محل حادثه، مصدومان به مراکز بهداشتی، درمانی ریگان منتقل شدند.

عامل جنایت مسلحانه در بازی والیبال، هنگام بازسازی صحنه قتل ادعا کرد:

زهرچشم مرگبار با کلاشینکف!

اختصاصی خراسان

سید خلیل سجادپور- جوان ۳۵ ساله ای که قصد میانجی گری در نزاع به خاطر اختلاف در بازی والیبال را داشت در حالی با شلیک گلوله از سلاح کلاشینکف به قتل رسید که مهاجم مسلح در بازسازی صحنه جنایت مدعی شد هیچ وقت قصد کشتن دوست قدیمی ام را نداشتم و تنها می خواستم دیگران را بترسانم! و از آنان زهر چشم بگیرم!

به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این پرونده جنایی نوزدهم بهمن گذشته هنگامی روی میز قاضی ویژه قتل عمد گشوده شد که چند تن از جوانان روستای شورک ملکی از توابع مشهد، به دلیل بروز اختلاف هنگام زدن سرویس در بازی والیبال با یکدیگر درگیر شدند. در این نزاع خونبار که به ابتدای روستا کشیده بود ناگهان شلیک های متعدد از سلاح جنگی، لحظات وحشتناکی را به وجود آورد اما جوان ۳۰ ساله ای به نام مسعود که سلاح کلاشینکف را در دست می فشرد، بی محابا به شلیک های بی هدف به سوی افراد مقابل ادامه می داد. در اثنای این درگیری هولناک که با ترس و وحشت همراه بود یک جوان ۳۵ ساله به نام مصطفی و کودک ۱۱ ساله دیگر بر اثر اصابت گلوله خون آلود نقش بر زمین شدند. دقایقی بعد سر و صداها خوابید و با فرار عاملان شرکت در نزاع دسته جمعی مسلحانه، دو مجروح این حادثه تلخ به مرکز درمانی انتقال یافتند اما طولی نکشید که جوان ۳۵ ساله بر اثر شدت عوارض ناشی از اصابت گلوله جان خود را از دست داد و کودک ۱۱ ساله نیز در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان امدادی بستری شد. گزارش خراسان حاکی است، با گزارش این جنایت مسلحانه وحشتناک به نیروهای انتظامی، بلافاصله تحقیقات گسترده ای از سوی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی علی اکبر احمدی نژاد (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) آغاز شد.

بررسی های میدانی کارآگاهان نشان می داد که انگیزه این جنایت مسلحانه، به دلیل اختلافی بود که بین دو گروه از جوانان روستا به خاطر بازی والیبال رخ داده است. با آن که در چند عملیات هماهنگ و ضربتی شش تن از عوامل این نزاع مرگبار با راهنمایی های قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد دستگیر شدند اما عامل اصلی این جنایت مسلحانه همچنان فراری بود تا این که با درایت اعضای شورای روستا و ریش سفیدان و بزرگان محلی، در نهایت متهم فراری نیز خود را تسلیم قانون کرد و به تشریح چگونگی وقوع این حادثه خونبار پرداخت.

بنابر گزارش اختصاصی خراسان، مسعود که

به همراه چند تن دیگر از متهمان پرونده و تحت الحفظ کارآگاهان اداره جنایی به محل وقوع قتل هدایت شده بود، پس از تفهیم اتهام از سوی قاضی احمدی نژاد مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفت و در تشریح این ماجرا گفت: ساعت ۶ تا ۸ شب سالن ورزشی در بخش مزداوند به صورت اجاره ای در اختیار ما بود تا والیبال بازی کنیم. آن روز عصر هم قرار بود به سالن ورزشی برویم اما قبل از آن من به همراه دوستم غلامرضا به یک پارک رفتیم و مقداری مشروبات الکلی نوشیدیم. متهم این پرونده جنایی ادامه داد: وقتی بازی شروع شد در واقع ما حالت طبیعی نداشتیم تا این که در میانه بازی سرویس را که زدیم مورد اعتراض «رحمت» (یکی از بازیکنان طرف مقابل) قرار گرفت او مدعی بود ما هنوز حاضر نبودیم که سرویس زده شد و یک امتیاز از دست دادیم! همین اعتراض به مشاجره لفظی بین ما انجامید طوری که موضوع به توهین و فحاشی کشید. بعد از اتمام بازی زمانی که در رختکن بودیم ناگهان «رحمت» از پشت سر چند ضربه با مشت به سروصورتم کوبید. او قبلا به باشگاه بوکس رفته بود و مشت های محکمی می زد با وجود این آن جا نزاع با دخالت دیگر دوستان مان خاتمه یافت و همه ما به طرف روستا حرکت کردیم.

متهم به جنایت مسلحانه در ادامه اعترافات خود گفت: ابتدای ورودی روستا دوباره مشاجره ها آغاز شد و به درگیری با چوب و چاقو انجامید در این لحظه من که قبل از آن کتک خورده بودم به خانه رفتم و سلاح کلاشینکف را برداشتم سپس به همراه غلامرضا هنگامی به طرف های مقابل رسیدیم که رو در روی یکدیگر قرار گرفته بودیم! من قصد کشتن کسی را نداشتم و تنها می خواستم با ترساندن آن ها از هر چشم بگیرم!

به همین دلیل هم به صورت هوایی یا به در و دیوار شلیک می کردم که ناگهان گلوله به مصطفی خورد! او دوست قدیمی من بود و فقط در این نزاع نقش میانجی را داشت! من نمی خواستم او را بکشم ولی گلوله به او خورده بود!

شایان ذکر است، در آغاز بازسازی صحنه قتل، ابتدا سرهنگ علی بهرامزاده (افسر پرونده) به تشریح بخشی از محتویات این پرونده جنایی و اعترافات متهمان در مراحل بازجویی پرداخت و پس از آن نیز هر کدام از عاملان شرکت در نزاع دسته جمعی مسلحانه، نقش خودشان را در این ماجرای هولناک شرح دادند.

بنابراین گزارش، با پایان یافتن اعترافات متهمان با صدور دستوری از سوی قاضی احمدی نژاد، آنان روانه زندان شدند تا این پرونده جنایی دیگر مراحل قانونی خود را طی کند.

در امتداد تاریکی

عروس رها شده!

بیشتر از ۲۰ روز است که پسر بیکار و معتادم خانه و زندگی خودش را با نوزاد شش ماهه رها کرده و به مکان نامعلومی رفته است حالا من مانده ام و عروسی که با التماس از او خواستم با پسرم ازدواج نکند چرا که ... زن ۵۸ ساله ای که از یافتن پسرش در پاتوق های معتادان ناامید شده بود با شرمساری وارد کلانتری شد و در حالی که از پلیس استمداد می طلبید درباره سرگذشت پسر جوانش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: ۱۰ سال قبل وقتی پسرم از خدمت سربازی بازگشت عاشق دختری در محله خودمان شد اما خانواده آن دختر که می دانستند پسرم دوستان معتاد و خلافکاری دارد بلافاصله پاسخ منفی دادند و با این ازدواج مخالفت کردند.

این شکست عشقی خیلی برای پسرم سنگین بود تا جایی که دچار افسردگی روحی شد به همین دلیل رفت و آمد با دوستان معتادش را بیشتر کرد.

در محله حاشیه شهر که ما زندگی می کردیم افراد معتاد زیادی حضور داشتند به طوری که تقریبا از این گونه جوانان معتاد در هر خانه ای پیدا می شد خلاصه همین دوستان ناباب از شکست عشقی پسرم سوء استفاده کردند و او را به سوی مصرف مواد مخدر صنعتی سوق دادند تا به قول خودشان غم ها و غصه هایش را از یاد ببرد، این گونه بود که خانواده ما نیز درگیر این بلای خانمان سوز شد.

مدتی بعد پسرم با دختر عمویش که در شهرستان زندگی می کرد پیمان زناشویی بست اما همسرش وقتی ماجرای اعتیاد او را فهمید با این بهانه که نمی تواند با زندگی در مشهد دوری خانواده اش را تحمل کند از پسرم طلاق گرفت و به دنبال سرنوشت خودش رفت.

آن روزها «احمد» به شغل رنگ کاری ساختمان اشتغال داشت و هنوز سر کار می رفت. مدتی بعد با یکی از دوستانش به صورت شراکتی وارد بازار کار شد تا به تنهایی سختی های این شغل را تحمل نکند ولی یک سال بعد با اختلافی که بین او و شریکش به وجود آمد دیگر نتوانستند با هم کار کنند و پسرم در حالی که هر روز اعتیادش بیشتر می شد بیکار و خانه نشین شد. در همین روزها بود که دختر یکی از بستگان مان که به خانه ما رفت و آمد داشت به من گفت: «عاشق احمد شده و می خواهد با او ازدواج کند!» از تعجب دهانم باز مانده بود. به او گفتم پسر من جوانی معتاد و بیکار است و من نمی توانم تو را هم بدبخت کنم تا در آتش اعتیاد او بسوزی! اما مرغ «افسانه» فقط یک پا داشت و اصرار می کرد که می تواند پسرم را از این منجلاب بیرون بکشد. یک سال از این ماجرا گذشت و من همچنان با ازدواج آن ها مخالفت می کردم ولی «افسانه» به رفت و آمدهایش ادامه داد تا جایی که روزی روبه رویم نشست و گفت: اگر مرا به عنوان عروس خودتان قبول ندارید! همین الان بگویید! آن روز افسانه را در آغوش کشیدم و گفتم اتفاقا چون دوستت دارم نمی خواهم سرنوشت سیاهی داشته باشی!

ولی او باز هم به این ازدواج اصرار کرد و من به ناچار او را از خانواده اش خواستگاری کردم. بعد از این ازدواج «احمد» یک دستگاه موتورسیکلت خرید تا با آن مسافرکشی کند ولی چند روز بعد پلیس موتورسیکلت را به دلیل نداشتن مدارک و اسناد مالکیت توقیف کرد و پسرم دوباره خانه نشین شد. با وجود این نه تنها عروسم نتوانست او را از گرداب اعتیاد بیرون بیاورد بلکه هر روز نوع مصرفی مواد مخدر پسرم تغییر می کرد و او به استفاده از مواد مخدر روان گردان و حشتناک روی آورده بود. اکنون نیز در حالی که دو سال از ازدواجش با افسانه می گذرد او را با یک نوزاد شش ماهه در منزل ما رها کرده و به مکان نامعلومی رفته است و هنوز بعد از سه هفته جست و جو نتوانستیم اثری از او پیدا کنیم این در حالی است که به عروس ۲۴ ساله ام می گویم کاش... شایان ذکر است به دستور سرهنگ عباس زمینی (رئیس کلانتری سپاد) تلاش نیروهای انتظامی برای یافتن سرنخی از پسر این زن میان سال آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی